



اشاره
 امام راحل، امام مهربانی بود که بر مبنای رسالتی که بر
 عهده داشت همواره نگران دین و ایمان و سعادت دنیوی
 و اخروی یکایک بشر بود، نگران جوان گرفتار شده در تور
 شیادانی که به این قشر به چشم ابزار کارآمدی برای رسیدن
 به اهداف شوم خود می‌نگریستند.
 آنچه از نظر می‌گذرد دغدغه و نگرانی امام راحل «ره»
 نسبت به دین و آینده دنیوی فریب خوردگان حتی در
 واپسین لحظات عمر پر برکتشان است.

امام، نگران جوانان فریب‌خورده

بردارید و شما را اغفال نکنند برای مقاصد
 خبیث خودشان و شما را به کشتن ندهند. ما
 میل نداریم که شماها جوانانی که برای این
 ملت می‌توانید یک ذخیره باشید تباه بشوید،
 تباه فکری بشوید و بعد هم تباه جانی»^۱
 امام راحل (ره) در ادامه رسالت
 هدایت‌گری خود حتی در وصیت نامه الهی
 سیاسی خود گرفتار آمدگان در چنگال کفر
 و شرک و الحاد را به سوی آرام‌گرفتن در
 آغوش مکتب پر مهر و محبت اسلام فرا
 می‌خواند و حتی هدایت و نجات آنان را از
 خداوند رتوف و مهربان مسألت می‌نماید:
 «... برادران شما این اوراق را قبل از
 مرگ من نمی‌خوانید ممکن است پس از من
 بخوانید در آن وقت من نزد شما نیستم که
 بخواهم به نفع خود و جلب نظرستان برای
 کسب مقام و قدرتی بسا قلب‌های جوان
 شما بازی کنم. من برای آنکه شما جوانان
 شایسته‌ای هستید علاقه دارم که جوانی خود
 را در راه خدا و اسلام عزیز و جمهوری
 اسلامی صرف کنید تا سعادت هر دو جهان
 را دریابید.

از خداوند غفور می‌خواهم که شما را به
 راه مستقیم انسانیت هدایت کند و از گذشته
 ما و شما با رحمت و وسعت خود بگذرد،
 شماها نیز در خلوت‌ها از خداوند همین را
 بخواهید که او هادی و رحمان است.»^۲

پاورقی‌ها

۱. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۴۳ / ۹ / ۱۲ / ۶۲.
۲. صحیفه نور، ج ۸، ص ۵۲.
۳. صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۸۶ / ۱۷ / ۷ / ۶۰.
۴. همان، ص ۲۸۷.
۵. همان.
۶. وصیتنامه سیاسی الهی، ۱۴ / ۳ / ۶۸.

تخیلات فاسد مشغول به شرارت هستند
 ما هیچ میل نداریم که این جوان‌های گول
 خورده و این دختر و پسر گول‌خورده در
 این بیغوله‌ها پیش این شیاطین باشند و از
 آنها الهام بگیرند»^۳
 امام راحل با یسارآوری تضاد در قول و
 عمل سران سازمان و خیانت آنان به مردم
 و داعیه دروغین مبارزه با آمریکا - که بعدها
 برای همه ثابت شد پدیده و دلسوزانه
 خطاب به این فریب خوردگان می‌فرماید:
 «شما جوان‌ها چرا خودتان را در اختیار
 دیگران گذاشتید چرا استقلال فکری ندارید،
 چرا خودتان مطالعه نمی‌کنید در احوال
 این سرائتان که شما را دارند تباه می‌کنند و
 خودشان یا در بیغوله‌ها هستند یا فرار از این
 کشور کردند و شما را به هلاکت بیندازند و
 می‌گویند بعد که شما کارها را انجام دهید ما
 می‌آییم و به شما حکومت می‌کنیم»^۴

چرا تفکر نمی‌کنید؟ چرا توجه ندارید
 به مصالح خودتان؟ آن روزی که این‌ها بیایند
 و سلطه پیدا کنند به این کشور معلوم نیست
 که با شماها هم چه خواهند کرد و کسی که
 طریقه اسلام را ندارد وفادار نیست...^۵
 امام راحل (ره) پس از تأکید بر این
 نکته که سران سازمان منافقین به دلیل عدم
 اعتقاد به اسلام به هیچ یک از اصول اخلاقی
 پای‌بند نبوده و نیستند حتی در این راه از
 خیانت به نزدیک‌ترین افراد خود برای نیل به
 مقاصد پلیدشان ابا نداشته و ندارند، خطاب به
 جوانان گرفتار آمده در لانه عنکبوتی منافقین
 می‌فرماید:

«چرا به خودتان رحم نمی‌کنید؟ بیدار
 بشوید! توجه کنید و دست از این شرارت‌ها

«بشر فطرتش یک فطرت سالم است،
 اگر یک چیزی را القاء بکنند، روی فطرت
 سالم خودش قبول می‌کند و قدرتمندها از
 همین معنا می‌ترسند»^۶
 این دکترین امام (ره) در برخورد با
 هر فرد از جامعه بود، دکترینی که در آن
 هدایت بشر و دعوت او به سوی حق تعالی
 و بازگرداندن انسان به خویشستن خویش
 یک وظیفه است خواه این فرد یک ارتشی
 در پادگان رژیم ستم شاهی باشد، خواه
 گورباچف رئیس جمهور یک ابر قدرت
 جهانی و خواه یک جوان فریب‌خورده در
 دامان سازمان‌های تروریستی. در این دکترین
 هر دعوت‌کننده‌ای باید مخاطب خود را به
 اسم خدا و برای خدا و به سوی خدادعوت
 کند.

«به اسم خدا حرکت کنید و با اسم خدا
 هدایت کنید و با اسم خدا ترویج کنید و با
 اسم خدا انحرافات را مستقیم کنید»^۷
 امام راحل که با تأسی به مولایش امام
 حسین (ع) فلسفه قیام و دکترین سیاسی خود
 را که، امر به معروف و نهی از منکر تعریف
 و ترویج کرده بود از آغاز نهضت تا پایان
 عمر نورانی و پربرکتش لحظه‌ای از تلاش
 برای بازگرداندن فریب‌خوردگان به اردوگاه
 توحید و جبهه موحدان باز نایستادند. پس
 از اعلام حرکت مسلحانه از سوی سازمان
 منافقین در خرداد سال ۱۳۶۰ و مخفی شدن
 برخی از جوانان پسر و دختر در خانه‌های
 تیمی این سازمان امام راحل نگرانی خود را
 از سرنوشت جوانان فریب‌خورده در این
 خانه‌ها چنین بیان کردند:

«این‌هایی که در داخل کشور ما به